



دانشگاه صنعتی امیر کبیر
(پلی تکنیک تهران)

بسم الله الرحمن الرحيم

پاورپوینت فصل ۶ کتاب فلسفه اخلاق
"دین و اخلاق"

نگارنده: امیرحسین اشهر

شماره دانشجویی: ۹۵۲۶۰۰۶

استاد درس: جناب آقای دکتر کیاشمشکی

رابطه دین و اخلاق

این بحث از با سابقه ترین مباحث فلسفه اخلاق محسوب می شود و حتی فیلسوفانی که گرایش ضد دینی دارند مانند مارکس و نیچه خود را با این مسئله درگیر می بینند. به طور مثال یکی از مسائلی که در زمره مسائل جدید دین و اخلاق قرار دارد، مسئله "حسن و قبح" بوده که در ادامه درمورد آن توضیح داده می شود.

اندیشمندان مسلمان در مسئله حسن و قبح افعال دو دیدگاه کاملاً متفاوت دارند. اشاعره، حسن و قبح افعال را تابع اوامر و نواهی الهی می دانند (نظریه "حسن و قبح شرعی" یا نظریه "امر الهی") در مقابل، عدلیه حسن و قبح افعال را اموری ذاتی می دانند و معتقدند که عقل انسان نیز توانایی درک اصول احکام اخلاقی را دارند.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه تباین

برخی از فیلسوفان اخلاق معتقدند که دین و اخلاق هیچ گونه ارتباط منطقی با یکدیگر نداشته بلکه هر یک از آن ها به حوزه و قلمرویی کاملاً متفاوت تعلق دارند.

برخی از مدافعان این دیدگاه، دین و باورها و تعلقات دینی را در تضاد با اخلاق و فضایل اخلاقی می‌دانند و مدعی‌اند که "وابستگی اخلاق به دین احتمالاً به محو اخلاق می‌انجامد زیرا با فرو ریختن باورهای دینی، اخلاق هم فرو می‌پاشد." برای مثال فردریش نیچه فیلسوف مشهور آلمانی و از مدافعان این دیدگاه بر این باور بود که "فرو ریختن ایمان به خدا، راه را برای پرورش کامل نیروهای آفریننده انسان می‌گشاید. خدای مسیحی با امر و نهی هایش دیگر راه را برای ما نمی‌بندد و چشمان انسان دیگر به یک قلمرو دروغین زبر طبیعی، به جهان های دیگر به جای این جهان، دوخته نمی‌شود." به عقیده نیچه، مسیحیت با ترغیب انسان ها به کسب صفاتی مانند نوع دوستی، شفقت، خیرخواهی و ... شخصیت واقعی انسان را سرکوب می‌کند و آن را از شکوفایی باز می‌دارد. او همچنین معتقد بود که به جای دم زدن از برابری انسان ها باید به انسان برتر بیندیشیم و کسب قدرت را سر لوحه اهداف انسانی خود بنشانیم و برای رسیدن به این هدف بایستی "نیرومند را نیرومندتر سازد و برای خسته از دنیا، فلج کننده و نابودی آور باشد."



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه تباین

دسته دوم از مدافعان این دیدگاه کسانی هستند که دین را امری کاملاً فردی می‌دانند و بر این باورند که دین فقط رابطه میان انسان با خدا را تبیین می‌کند، اما اخلاق مسئله‌ای کاملاً اجتماعی و بیانگر روابط اجتماعی میان آدمیان با یکدیگر است. این دسته دین و اخلاق را نه تنها از حیث قلمرو مستقل از یکدیگر می‌دانند که از نظر هدف نیز میان آن‌ها هیچ گونه وجه مشترکی نمی‌شناسند. از نظر آنان هدف دین، خدا گونه کردن آدمیان است و هدف اخلاق، تصحیح روابط اجتماعی آدمیان با یکدیگر.

دسته سوم از مدافعان این دیدگاه کسانی هستند که میان دین و اخلاق از نظر مرتبه تعالی تفکیک قائل می‌شوند به این صورت که مرتبه اخلاق را فروتر از مرتبه دین به حساب آورده، می‌گویند اخلاق به این دلیل که در بند مصلحت اندیشی‌های عقلانی است، از ایمان که به معنای اطاعت بی‌چون و چرا از خداوند و رهایی از بند عقل است، پایین‌تر است و کسی که در مرتبه اخلاق باشد و به آن قناعت ورزد، هرگز نمی‌تواند پا به مرتبه ایمان گذارد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه تباین

کرکگور از مدافعان و طراحان این دیدگاه، روح انسان را دارای **سه مرحله** می‌داند:

نخستین مرحله، مرحله حسانی است که ویژگی آن پراکندن خویش در ساحت حس می‌باشد. "در کار نبودن معیارهای اخلاقی ثابت کلی و ایمان خاص دینی و نیز شوق کامجویی از تمام تجربه های عاطفی و حسی، ویژگی اساسی آگاهی حسانی است."

مرحله دوم، مرحله اخلاقی است. در این مرحله آدمی به معیارهای معین اخلاقی و تکلیف های اخلاقی گردن می‌نهد که ندای عقل کل است و بدین سان به زندگانی خود شکل و پیوستگی می‌بخشد. نمونه ساده عبور از مرحله حسانی به مرحله اخلاقی برای کرکگور، عمل زناشویی است که انسان به جای ارضای میل جنسی خود از طریق جاذبه های گذرا، تن به زناشویی، که یک نهاد اخلاقی است، می‌دهد و همه تکلیف های آن را به گردن می‌گیرد.

مرحله سوم، مرحله ایمانی و پیوستگی با خداست. در این مرحله مقام اخلاق را اعتباری نیست.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد و بررسی

۱. نادرستی مسیحیت یا دین

دسته نخست از مدافعان این دیدگاه، عموماً با مسیحیت مخالف بودند و اعتقادات مسیحی را موجب تباهی و نابودی جامعه و عقب ماندگی آن می‌دانستند. برای مثال، نیچه و مارکس با اعتقادات مسیحی و عالمان مسیحی سر مخالفت داشتند. آنان بی آنکه از سایر ادیان، به ویژه دین مبین اسلام، اطلاع درستی داشته باشند در یک تعمیم نادرست به طور کلی با دین مخالف بودند که اگر با این دین آشنا بود دیگر آن را باعث تباهی اخلاق معرفی نمی‌کرد.

نیچه معیار اخلاق را قدرت می‌داند و معتقد است هر چیزی که موجب قدرتمندتر شدن فرد شود، خوب و فضیلت است و هر کاری که باعث ضعف شود، بد و رذیلت است. گذشته از اشکالات انبوه این دیدگاه، حقیقت آن است که قدرت طلبی انسان تنها در سایه قرب الهی به نحو کامل ارضا می‌شود.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد و بررسی

۲. قلمرو دین

اینان قلمرو دین را به روابط فرد با خدا منحصر می‌پندارند و مدعی اند که دین برای روابط اجتماعی افراد برنامه ای ندارد در حالی که حق آن است که هدف و قلمرو دین تنها آخرت و روابط انسان با خدا نیست، بلکه دین روابط فرد با دیگران و محیط زیست را نیز در بر دارد.

در حقیقت بهترین راه برای فهم هدف و قلمرو دین، مراجعه به خود دین است و با اندک مراجعه ای به دین و وحی الهی به خوبی می‌بینیم که دین برای همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و حقوقی و ... بشر طرح و برنامه دارد و به طور کلی هیچ کاری نیست که دین به گونه ای درباره آن راهنمایی نداشته باشد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد و بررسی

۳. رابطه عقل و ایمان

اشکال دیدگاه کرکگور و امثال او که مرحله دین و ایمان را فراتر از مرحله اخلاق می‌دانند، ویژه دیدگاه خاص آنان درباره رابطه عقل و دین است. کرکگور از ایمان گرایان افراطی در عالم مسیحیت است. وی بر این باور است که برای مومن شدن باید تعقل را رها کرد و آماده پذیرش امور خردستیز شد و چون اخلاق و موازین اخلاقی در چهارچوب عقل و تعقل است، با دین و ایمان دینی سازگاری ندارد. در حالی که انسان نمی‌تواند امور خردستیز را بپذیرد. در دین امور خردگریز وجود دارد اما سخن خردستیز هرگز پذیرفتنی نیست. مشکل کرکگور و سایر ایمان گرایان مسیحی این است که مسیحیت و اصول اعتقادی آنان ضدعقل است. برای مثال باورهایی چون "تثلیث"، "تجسد" و "مرگ فدی‌ه‌وار مسیح" که از اصول اعتقادی مسیحیت تحریف شده است، اموری خردستیزند. به همین دلیل ایمان گرایان برای حفظ ایمان و اعتقادات دینی مدعی شده‌اند که برای دینداری و ورود به وادی ایمان، باید آماده پذیرش سخنان ضدعقل شد!

دیدگاه اتحاد (نظریه امر الهی)

بر اساس این دیدگاه، اخلاق همان دین است و هرگز نمی‌توان بدون دین و آموزه های دینی از اخلاق و ارزش های اخلاقی بهره‌مند شد. نظریه امر الهی یکی از تقریر های مختلف این دیدگاه است که در این بخش به آن اشاره خواهیم کرد. این نظریه از زمان سقراط تا کنون محور بحث فیلسوفان و اندیشمندان دینی بوده است. مسئله حسن و قبح عقلی و شرعی در گفتگوی سقراط و اثیفرون به خوبی طرح شده است. در این گفتگو اثیفرون ادعا می‌کند "امر خداوند است که موجب خوبی یک عمل می‌شود." سقراط از او می‌پرسد: "آیا چون خدا به چیزی امر کرده است آن چیز صواب است یا چون آن چیز صواب است خدا به آن امر کرده است؟" اثیفرون در پاسخ می‌گوید: "چون صواب است خدا به آن امر کرده است." در دوران اخیر برخی از عالمان بزرگ علم اصول، مانند آخوند خراسانی، محمد حسین اصفهانی و مرحوم مظفر، با پرداختن به این بحث، باعث رونق مجدد آن و حل برخی از معضلات و ابهامات آن شده‌اند. با این حال هنوز هم این مسئله از جوانب مختلف به بررسی های دقیق تری نیاز دارد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه اتحاد (نظریه امر الهی)

متکلمان مسلمان، در رویارویی با این مسئله، از همان آغاز به دو دسته تقسیم شدند:

۱- شیعیان، معتزلیان، ماتریدیه و کرامیه که معتقد بودند خوبی و بدی از صفات ذاتی افعال اند و عقل آدمی به تنهایی توانایی درک خوبی و بدی برخی از کارها را داراست. اوامر و نواهی الهی فقط جنبه کاشفیت از واقع دارند. خوبی کار خوب در ذات آن نهفته است و از همین روست که خداوند به انجام آن فرمان می‌دهد و زشتی کار بد نیز ذاتی است و به همین دلیل است که خداوند از آن نهی می‌کند.

۲- اشعریان که بر این نکته اصرار دارند، امر و نهی خداوند اثبات گر نیکی و بدی افعال است. چنین نیست که خوبی و بدی در ذات افعال نهفته باشد و کار شرع فقط کشف آن‌ها و کنار زدن پرده از روی واقعیت باشد. به تعبیر رایج میان اشاعره: "الحَسَن ما حَسَّنه الشرع و القبیح ما قَبَّحه الشرع."

بنابراین، اگر خداوند به دروغ گویی فرمان دهد، دروغ گویی خوب خواهد شد و اگر از راست گویی نهی نماید، راست گفتن ناپسند و زشت می‌گردد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

مدعای مدافعان نظریه امر الهی

شیخ ابوالحسن اشعری، موسس و بنیان گذار مکتب اشاعره، نخستین متکلم مسلمانی است که از نظریه امر الهی یا حسن و قبح شرعی دفاع کرده است و در رد و انکار حسن و قبح ذاتی و عقلی سخن گفته است. درباره مدعای اشاعره و این که آیا آنان، افزون بر انکار حسن و قبح عقلی افعال، حسن و قبح ذاتی آن ها را نیز انکار می کنند، دو احتمال وجود دارد.

برخی از محققان احتمال داده اند که آنان فقط منکر حسن و قبح عقلی افعال بوده اند؛ یعنی راه کشف حسن و قبح افعال را امر و نهی الهی دانسته اند. اما با تأمل در سخنان بزرگان این مکتب به نظر می رسد که مدعای اشاعره، عام است؛ یعنی حسن و قبح عقلی و ذاتی افعال را رد می گیرد. عبدالکریم شهرستانی در بیان دیدگاه اشاعره می گوید: افعال انسانی دارای حسن یا قبح ذاتی نیستند، بلکه این شرع و پیام الهی است که خوب ساز یا بدساز است.

سید شریف جرجانی در کتاب شرح مواقف، مدعای مدعای اشاعره را به معنای تعلق مدح و ثواب یا ذم و عقاب بیان می کند.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

بررسی ادله نظریه امر الهی

۱. مالک مطلق بودن خداوند

یکی از مهم ترین ادله‌ای که اشاعره برای اثبات حسن و قبح شرعی ذکر کرده‌اند این است که خداوند مالک و قادر مطلق است و آن کسی است که هر کاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد. قادر مطلق به هیچ قیدی، حتی قیود اخلاقی مقید نمی‌شود. بنابراین، خداوند هر کاری انجام دهد خوب است. زیرا در ملک و مملکت خود کرده است.

به تعبیر دیگر، کار قبیح این است که کسی به حق دیگران تجاوز کند؛ اما در جایی که همه هستی از آن خداوند است و او مالک ملک و ملکوت است، دیگران از خود چیزی ندارند تا امکان ضایع شدن حق از آنان و در نتیجه تحقق ظلم و قبیحی معنا پیدا کند.

نقد و بررسی

همانطور که ملاحظه می‌شود، دغدغه اشاعره برای شرعی و الهی دانستن حسن و قبح، رعایت جانب قدرت الهی است. اینان بر این گمان بوده‌اند که اگر خداوند قادر و مالک مطلق است هیچ چیزی نمی‌تواند قدرت او را محدود کند. به تعبیر دیگر، قادر مطلق کسی است که قدرتش به هیچ قید و حدی مقید نباشد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد و بررسی

ما نیز می‌پذیریم که خداوند قادر مطلق است اما این بدین معنا نیست که به هیچ حد و قیدی ملتزم نباشد. اگر کسی بگوید که حسن و قبح برخی از امور، ذاتی آن هاست و عقل نیز این حقیقت را درک می‌کند. این به معنای آن نیست که عقل حکم خود را بر دیگران تحمیل می‌کند و قدرت دیگران را محدود می‌کند. عقل انسان نیز درک می‌کند که خدایی که دارای همه کمالات است، نمی‌تواند کار قبیح انجام دهد. روشن است که این "نمی‌تواند" به معنای آن نیست که قدرت و اختیار انجام چنین کارهایی را ندارد؛ بلکه بدین معناست که خدای متعال به حکم حکمتش انگیزه انجام چنین کارهایی را ندارد. به تعبیر دیگر، اشاعره در این استدلال مرتکب مغالطه "کنه و وجه" شده‌اند. آنان وجهی از صفات الهی را اخذ کرده و سایر اوصاف او را نادیده گرفته‌اند. باید دانست که خدای متعال به همان اندازه که قادر و مالک مطلق است، حکیم مطلق نیز هست. عقل انسان با ملاحظه همه صفات الهی این حقیقت را کشف می‌کند که خداوند کار قبیح انجام نمی‌دهد، نه اینکه قدرت انجام کار قبیح را ندارد. اشاعره می‌گفتند ما هرگز نباید خداوند را به حکمی محکوم کنیم. او خداست و هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد. اما از این نکته غافل بودند که عقل انسان فقط کاشف این حقیقت است؛ یعنی با ملاحظه ذات و صفات الهی این حقیقت را کشف می‌کند که خدایی که دارای صفاتی مانند قدرت، علم و بی‌نیازی مطلق است، کار قبیح انجام نمی‌دهد.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

بررسی ادله نظریه امر الهی

۲. قبیح نبودن تکلیف به "مالایطاق"

این استدلال را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

- الف) اگر حسن و قبح افعال در ذات آن‌ها نهفته باشد، مستلزم آن است که تکلیف به مالایطاق قبیح باشد.
- ب) اینکه تکلیف به مالایطاق قبیح باشد، باطل است. زیرا نمونه‌های زیادی را می‌توان به عنوان شاهد ذکر کرد که خداوند چنین تکلیف کرده است؛ مانند تکلیف کافران به ایمان، در حالیکه خداوند از ازل می‌داند که آنان هرگز ایمان نخواهند آورد یا تکلیف ابولهب به ایمان به خدا و رسول و سخنان پیامبر و مدعیات قرآنی، در حالیکه در قرآن کریم از ایمان نیاوردن ابولهب خبر داده شده است. بنابراین معنای تکلیف ابولهب به ایمان آوردن این است که او باید به بی‌ایمانی خود ایمان بیاورد!
- ج) پس مقدم هم باطل است؛ یعنی حسن و قبح افعال ذاتی نیست.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد

اولا این دلیل، بر فرض درستی، ذاتی بودن حسن و قبح را رد می‌کند اما شرعی بودن آنها را به اثبات نمی‌رساند؛ یعنی آنان برای اثبات دیدگاه خود باید دلیل اقامه کند.

ثانیا، مقدمه دوم نادرست است. زیرا تکلیف، به علم و اختیار و قدرت وابسته است و کافران نیز مانند مومنان، اگر دارای این ویژگی‌ها باشند به داشتن ایمان وظیفه‌مندند. البته گویا طراحان این استدلال، علم پیشین الهی را دلیل بر سلب اختیار از کافران پنداشته‌اند؛ در حالیکه این درست نیست. زیرا:

نخست اینکه اگر این درست باشد، خدای متعال نیز در انجام کارهایش اختیار نخواهد داشت. زیرا به افعال خود نیز علم ازلی و پیشین دارد.

دوم آنکه علم پیشین الهی به صدور اختیاری افعال از انسان‌ها تعلق گرفته است.

در مورد ابولهب نیز در حقیقت آن خبر قرآنی پس از سرکشی و عناد او بیان شده است تا گفته شود که یکی از متعلقات ایمان او ایمان به ایمان نیاموردن خود بوده است! حتی برخی از محققان گفته‌اند سوره مَسَد پس از مرگ ابولهب نازل شده است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

بررسی ادله نظریه امر الهی

۳. فعل فاعل مضطر قبیح نیست

(الف) قبح یا وصف افعال خداوند است یا وصف افعال بندگان

(ب) هر دو صورت باطل است.

بطلان و نادرستی صورت اول مورد اتفاق همگان است. هیچ مسلمانی افعال الهی را به داشتن قبح توصیف نمی‌کند. خداوند مالک مطلق است و قبیح در مورد او معنا ندارد.

صورت دوم نیز باطل است. زیرا حسن یا قبح وصف افعال اختیاری است؛ در حالیکه آدمیان در انجام کارهای خود اختیار ندارند. به تعبیر دیگر هیچ فعلی از انسان صادر نخواهد شد، مگر آنکه خداوند انگیزه انجام آن را در او ایجاد کند و زمانی که چنین انگیزه‌ای در او ایجاد شود، صدور آن کار از او ضروری خواهد بود. بنابراین آدمیان در انجام کارهای خود اختیار ندارند.

(ج) پس نه فعل خداوند را می‌توان به وصف بدی یاد کرد و نه فعل بندگان را.



۱. قبح، صفت است و موصوف می‌خواهد؛ اما نه به این صورت که موصوف آن فعلیت داشته باشد؛ یعنی نمی‌توان افعال الهی را به قبح توصیف کرد البته نه به این معنا که خداوند نمی‌تواند کار قبیح انجام دهد. همچنین اگر افعال انسانی به قبح یا حسن توصیف می‌شود، منظور این است که قابلیت این اتصاف را دارند نه آنکه بالفعل به قبح یا حسن توصیف شوند.
۲. منظور از این که صدور فعل از انسان وابسته به ایجاد انگیزه انجام آن در او از سوی خداوند است، چیست؟ اگر منظور این است که صدور فعل از انسان به علم او به بدی یا خوبی آن فعل وابسته است، روشن است که علم به خوبی یا بدی یک فعل، مستلزم ضرورت انجام آن نیست و اگر منظور، تصمیم و عزم انسان به انجام یک کار باشد، باز هم روشن است که عزم و تصمیم بر انجام یک کار پس از اختیار انجام آن پدید می‌آید.
۳. لازمه سخن استدلال کننده این است که هیچ فعلی را در هیچ شرایطی نتوان قبیح دانست.
۴. باید دانست که حسن و قبح، و ذاتی یا شرعی بودن قضایای ارزشی، فرع بر پذیرش اختیار است، در حالی که این استدلال اشاعره مستلزم جبر مطلق و در نتیجه لغو بودن تکلیف و تشریع و برانگیختن پیامبران است. بر اساس این سخن اصلاً جایی برای حسن و قبح و قضایای ارزشی باقی نمی‌ماند تا بتوان سخن از ذاتی یا شرعی بودن آن‌ها به میان آورد.



دانشگاه صنعتی امیر کبیر
(پلی تکنیک تهران)

بررسی ادله نظریه امر الهی

۴. اثبات نظریه امر الهی از راه نسخ شرایع

الف) اگر حسن و قبح افعال در ذات آن ها نهفته باشد، مطلق و تغییر ناپذیر خواهند بود؛ یعنی هیچ حسنی قبیح نمی شود و هیچ قبیحی نیز حسن نخواهد شد.

ب) بخش دوم استدلال باطل است؛ به دلیل نسخ شرایع: یک کار در یک دین، واجب و در دینی دیگر حرام شده است، یا در دینی ممنوع و در دینی دیگر مباح شده است و یا در دینی مستحب و در دینی دیگر واجب شده است؛ مثلاً حکم ازدواج دختر با پدر یا پسر با مادر یا برادر با خواهر در شریعت حضرت آدم با حکم این موضوعات در شریعت اسلام متفاوت بوده است.

ج) پس مقدم هم باطل است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نقد

برخی از اندیشمندان گفته‌اند که نسخ یک ضرورت واقعی است که مصلحت امت و حکمت الهی آن را اقتضا می‌کند. بنابراین نسخ واقعی به معنای انکشاف خطا و اشتباه در حکم سابق و ارائه حکمی جدید در مورد خداوند محال است. زیرا او عالم مطلق است و به همه زوایای امور علم دارد. بدین روی نسخ در احکام الهی به معنای نسخ ظاهری است؛ یعنی در حقیقت از همان ابتدای صدور حکمی موقتی و زمانمند بوده است که ابراز حکم جدید، موقتی بودن آن را برای مخاطبان مشخص می‌کند. یک مصلحت واقعی موجب ابراز این حکم موقتی بوده است اما مصلحت تکلیف و تعلیم و تربیت اقتضا می‌کرده که زمان و پایان این حکم از ابتدا برای مکلفان و متربیان مشخص نباشد.

به هر حال اوامر و نواهی الهی مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است. اما باید توجه داشت که مصالح و مفاسد واقعی یک فعل یا موضوع هرگز به معنای این نیست که حتماً باید تا ابد بدون تغییر بماند و همواره حکمی واحد داشته باشد.

دیدگاه مورد قبول

اخلاق به معنای مجموعه ای از فضایل و رذایل در حوزه های مختلف فردی، اجتماعی و اخلاق به عنوان مجموعه ای از گزاره هایی که موضوع آن ها را افعال اختیاری انسان یا صفات و ملکات حاصل از آن ها تشکیل می دهد و محمول آنها نیز مفاهیمی مثل خوب، بد، باید و نباید است.

اگر منظور از اخلاق کاربرد نخست آن باشد و منظور از دین مجموعه عقاید و اخلاق و احکام لازم برای سعادت ابدی بشری باشد، روشن است که اخلاق جزء دین است و رابطه میان دین و اخلاق رابطه ای دقیق و تشکیلاتی است. همانطور که می دانیم دیدگاه عموم اندیشمندان اسلامی همین است. دین الهی و راستین، که به عقیده ما منحصر در اسلام و پیام اسلامی است، در بردارنده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و حقوقی است.

اما اگر منظور از اخلاق، همان مسائل و موضوعات و محمولات خاص باشد، می توان اخلاق را مستقل از دین دانست و به این معنی می توان از اخلاق سکولار سخن گفت. هر چند بر اساس این دیدگاه نیز نوعی تعامل و رابطه منطقی میان دین و اخلاق وجود دارد؛ به این صورت که پذیرش برخی گزاره های دینی به پذیرش برخی از مفاهیم اخلاقی وابسته است و تعریف برخی مفاهیم اخلاقی و تصدیق پاره ای از گزاره های اخلاقی و علم به بسیاری از جزئیات احکام اخلاقی، همگی به دین و گزاره های دینی وابسته است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه مورد قبول

بر اساس تحلیلی که در فصل های پیشین از مفاهیم و احکام اخلاقی به دست دادیم و آنها را گویای روابط واقعی میان افعال اختیاری و صفات نفسانی انسان و کمال نهایی او دانستیم، روشن می شود که مفاهیم و گزاره های اخلاقی، به دین و گزاره های وحیانی هیچ وابستگی ندارند. البته وقتی بخواهیم کمال نهایی و هدف حقیقی را بشناسیم و رابطه میان افعال اختیاری خود را با قرب الهی به دست آوریم به شدت نیازمند اصول و اعتقادات دینی هستیم به این صورت که برای تشخیص کمال نهایی ناچاریم مسئله خداوند را که اصلی ترین اعتقاد دینی به حساب می آید، مطرح کنیم. همچنین برای تشخیص کارهای خوب که با کمال نهایی انسان رابطه دارند، باید مسئله جاودانگی نفس را در نظر بگیریم تا اگر بین پاره ای از کمالات مادی با کمالات ابدی و جاودان تعارضی دیده شد بتوانیم میان آنها ترجیحی قائل شویم و بگوییم فلان کار بد است؛ نه از آن جنبه که نمی تواند کمال مادی برای ما به وجود آورد، بلکه چون با یک کمال اخروی در تعارض است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

دیدگاه مورد قبول

افزون بر این، عقل تنها می‌تواند مفاهیم کلی را درباره رابطه میان افعال اختیاری و کمال نهایی به دست آورد و این مفاهیم کلی برای تعیین مصادیق دستورهای اخلاقی چندان کارایی ندارند؛ مثلاً عقل می‌فهمد که عدل خوب است، اما اینکه عدل در هر موردی چه اقتضایی دارد و چگونه رفتاری در هر موردی عادلانه است، در بسیاری از موارد روشن نیست و عقل به خودی خود نمی‌تواند آنها را مشخص کند؛ مثل اینکه آیا در جامعه حقوق زن و مرد باید کاملاً یکسان باشد یا باید تفاوت‌هایی داشته باشند و اگر تفاوت رواست، این تفاوت‌ها باید در چه حد و اندازه‌ای باشد. بدیهی است که عقل آدمی نمی‌تواند به خودی خود این موارد را کشف کند. زیرا می‌تواند چنین مواردی را تشخیص دهد که بر همه روابط کارهای اختیاری انسان با غایات و نتایج نهایی آنها و تأثیرات دنیوی و اخروی شان احاطه کامل داشته باشد و چنین احاطه‌ای برای عقل عادی بشر ممکن نیست. پس برای اینکه مصادیق خاص دستورهای اخلاقی را به دست آوریم، باز هم به دین نیازمندیم. این وحی است که دستورهای اخلاقی را در هر مورد خاصی و با حدود خاص و شرایط و لوازمش تبیین می‌کند و عقل به تنهایی از عهده چنین کاری بر نمی‌آید.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نیازمندی های دین به اخلاق

۱. اخلاق و خداشناسی

برخی از فیلسوفان مغرب زمین، به پیروی امانوئل کانت، کوشیده‌اند با استمداد از براهین اخلاقی به اثبات وجود خدا بپردازند. امانوئل کانت بر این باور بود که لازمه عقل عملی و قوانین اخلاقی، اذعان به وجود خدا و برخی دیگر از آموزه‌های دینی نظیر خلود و جاودانگی نفس است. برخی دیگر از مدافعان این برهان، خواستند از طریق ثبات و اطلاق امر و نهی اخلاقی، وجود امر و ناهی ثابت، ازلی و مطلق را ثابت کنند؛ به این طریق که امر و نهی اخلاقی، مقتضی وجود امر و ناهی است و این امر و ناهی، خود شخص یا دیگر اشخاص انسانی نمی‌توانند باشند، بلکه باید مرجع ماورایی و فوق انسانی، به نام خدا وجود داشته باشد که منشا اوامر و نواهی اخلاقی است.

برخی دیگر خواسته‌اند از طریق قوانین اخلاقی وجود قانون گذاری الهی را اثبات نمایند. بیان مشهورتری از برهان اخلاقی نیز به این صورت است که می‌گویند ارزش‌های اخلاقی، عینی هستند و آفریننده آنها باید ماده باشد یا غیر ماده؛ ماده نمی‌تواند خالق ارزش‌های دینی باشد، و غیر ماده یا انسان است یا موجودی فراتر از انسان. انسان نیز نمی‌تواند خالق ارزش‌های دینی باشد. زیرا آدمیان از میان می‌روند، اما اصول و ارزش‌های اخلاقی پا برجا می‌مانند و این نشان می‌دهد که موجودی فراتر از انسان وجود دارد که خالق ارزش‌های اخلاقی است و این موجود همان خدا است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نیازمندی های دین به اخلاق

یکی از مشهورترین و مهم ترین دلایل ضرورت خداشناسی وجوب شکر منعم است. چون خداوند ولی نعمت ما است و همه نعمت های ما از آن اوست، پس به حکم اخلاق، سپاسگزاری از او واجب است و البته شکرگزاری از ولی نعمت، به شناخت او وابسته است و تا او را نشناسیم نمی توانیم سپاسگزاری اش نماییم. بنابراین ضرورت خداشناسی، دست کم بر اساس این دلیل، بر پذیرش این حکم اخلاقی استوار است که "شکر منعم واجب است."

۲. اخلاق و خدا پرستی

یکی دیگر از وابستگی های دین به اخلاق، این است که اخلاق ما را به انجام وظایف دینی وظیفه مند می سازد. اساس دین، بر پایه عبادت و پرستش خداوند پی ریزی شده است. در پاسخ به این سوال که چرا بایستی خدا را بندگی نماییم و او را بپرستیم گفته می شود که خداوند خالق ما است و خالق و مخلوق خود حق عبودیت و بندگی دارد. ما بنده و مخلوق او هستیم و باید حق او را ادا کنیم و راه ادا کردن حق خداوند عبادت و بندگی او است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

نیازمندی های دین به اخلاق

۳. اخلاق و هدف دین

یکی دیگر از نیازهای اساسی دین و اخلاق، ویژه هدف دین است. دین مدعی است برای ساختن انسان و تامین سعادت دنیوی و اخروی بشر آمده است. بدین سبب اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز از اهداف دین است، که تنها در پرتو مجموعه خاصی از دستورهای اخلاقی به دست می آید. به همین دلیل می توان گفت دین بدون اخلاق نمی تواند به اهداف خود دست یابد و سعادت دنیا و آخرت انسان را تامین کند.

۴. اخلاق و تبلیغ دین

رفتار اخلاقی و ارزشی دینداران، همواره مهم ترین و کاراترین شیوه تبلیغ و ترویج دین بوده است. بنابراین، دین برای نشر و گسترش خود نیز وابسته به اخلاق است.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

وابستگی های اخلاق به دین

۱. تعریف مفاهیم اخلاقی

در تعریف مفاهیم اخلاقی، سه نظریه عمده وجود دارد: شهودگرایانه، غیر شناختی و تعریف گرایانه. نظریه های تعریف گرایانه به دیدگاه هایی گفته می شود که مفاهیم اخلاقی را قابل تعریف و تحلیل می دانند. این دسته از نظریات، که بخش وسیعی از دیدگاه های مختلف را شامل می شوند، در تقسیم کلی دیگری به دو دسته طبیعت گرا و متافیزیکی تقسیم می شوند. دسته نخست مفاهیم اخلاقی را با ارجاع به مفاهیم طبیعی و تجربی تعریف می کنند و دسته دوم می کوشند تا آنها را بر اساس مفاهیم فلسفی یا کلامی و الهیاتی تعریف نمایند.

پیروان نظریه امر الهی و قائلان به حسن و قبح شرعی، بر این باورند که مفاهیم اخلاقی را تنها در صورتی می توان تعریف کرد که آنها را به امر و نهی الهی ارجاع دهیم. از دیدگاه آنها کار خوب یعنی "کاری که متعلق امر الهی است" و کار بد یعنی "کاری که متعلق نهی الهی است." بر این اساس، اخلاق حتی در تعریف مفاهیم خود نیازمند دین و گزاره های دینی است. زیرا تا خدایی نباشد (اعتقاد به وجود خدا) و نهی و امری نداشته باشد (اعتقاد به وحی و نبوت) مفهوم خوب و بد و امثال آن هیچ گونه معنایی نخواهند داشت.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

وابستگی های اخلاق به دین

به عقیده ما اخلاق، در بخش تعریف مفاهیم خود، به دین و دستورهای دینی نیازی ندارد. مفاهیم اخلاقی از سنخ مفاهیم فلسفی و انتزاعی اند که از رابطه میان فعل اختیاری انسان یا ملکات نفسانی او با هدف مطلوب و کمال نهایی انسان انتزاع می شوند. وقتی فعلی از افعال اختیاری انسان را با هدف مطلوب او می سنجیم، اگر آن فعل خاص، انسان را در جهت وصول به این هدف یاری رساند، گفته می شود که آن فعل خوب و بایسته است و اگر انسان را از وصول به آن هدف مطلوب دور سازد، گفته می شود که آن فعل بد و نبایسته است.

۲. تعیین مصداق ارزش های اخلاقی

یکی دیگر از نیازمندی های اخلاق به دین این است که با کمک اوامر و نواهی الهی می توان بسیاری از مصادیق ارزش های اخلاقی را تعیین کرد. به کمک وحی الهی و علمی که از اولیای خدا به وسیله وحی و الهام به ما رسیده است، می توانیم مصداق ارزش های رفتاری و حدود کارها را مشخص کنیم. این سخن نیز چه بسا درست باشد؛ یعنی در تعیین ارزش بسیاری از جزئیات اعمال اختیاری خود، نیازمند دین و گزاره های دینی هستیم. عقل آدمی به تنهایی نمی تواند همه ارزشهای اخلاقی را تعیین نماید. با این حال، برخی از اصول ارزش های اخلاقی مانند خوبی عدالت و زشتی ظلم، بدون دین و باورهای دینی قابل تشخیص هستند.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

وابستگی های اخلاق به دین

۳. تعیین هدف ارزش های اخلاقی

اساس ارزش ها را غایات و اهداف افعال و رفتارها تشکیل می دهد. چون ما اهدافی مقدس داریم که برای ما مطلوبیت ذاتی دارند، باید کارهایی را انجام دهیم که ما را به آن اهداف مقدس نزدیک سازند. با توجه به این نکته، گفته می شود که هدف انسان رسیدن به قرب الهی است و این بالاترین هدفی است که برای سیر تکاملی انسان وضع می شود و ارزش رفتار های اخلاقی، از آنجا ناشی می شود که یا خود موجب قرب الهی اند، یا زمینه تقرب به خدا را فراهم می آورند. بر این اساس رابطه دین و اخلاق و وابستگی اخلاق به دین چنین تبیین می شود که در دین، خداوند شناخته می شود و به عنوان هدف تکاملی انسان معرفی می گردد و از اینجا ارزش های اخلاقی پدید می آیند؛ نتیجه آن که به رغم استقلال قلمرو اخلاق و دین، خدمت بزرگ و ارزنده ای که دین به اخلاق می کند این است که هدف والای ارزشهای اخلاقی را تعیین می کند.



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

وابستگی های اخلاق به دین

۴. ضمانت اجرایی ارزش های اخلاقی

برخلاف تصور سقراط، شناخت افعال خوب و بد، به تنهایی نمی تواند علت تامه انجام یا ترک آنها باشد. ممکن است کسی ارزش های اخلاقی را به خوبی بشناسد و بداند، اما از عمل بر طبق آنها خودداری ورزد. افزون بر این، بر اساس روانشناسی انسان می توان گفت: همه یا بیشتر انسان ها، تا تشویق یا تنبیهی نباشد، چندان به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد رغبتی از خود نشان نمی دهند. بنابراین می توان گفت که بدون دین و برخی آموزه های دینی اکثر مردمان چندان به اصول و ارزشهای اخلاقی پایبند نیستند. در واقع مصلحت خواهی، خودگرایی و حبّ ذات در همه مسائل، از جمله مسائل اخلاقی، در همه انسانها وجود دارد کمتر کسی را می توان یافت که فقط به خاطر عشق به حقیقت و خداوند، به ارزش های اخلاقی و هنجارهای دینی پایبند باشد. بسیاری به خاطر شوق به بهشت و نعمت های آن و بسیاری دیگر به دلیل هراس از جهنم و نقت های آن به رفتارهای اخلاقی تن می دهند. بی تردید در این زمینه نیز دین می تواند با ارائه تضمین های لازم و بیان تاثیرات و فواید دنیوی و اخروی افعال اخلاقی، آدمیان را به سمت انجام ارزش های اخلاقی سوق دهد. اصولاً برای برخی از ارزشهای اخلاقی مانند ایثار جز با استمداد از دین و آموزه های دینی نمی توان توجیه عقلانی ارائه داد.